

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

زمان: پنجشنبه ۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

عنوان: کمیته نما - پایان راه

سخنرانان شیوا آراسته، علی اندچی، شهاب‌الدین ارفعی و محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

محمودی: سلام عرض می‌کنم خدمت شما عزیزان با توجه به اینکه یک ماه از عید گذشته امروز اول اردیبهشت است، سال نو را خدمتون تبریک عرض می‌کنم و دهمین سال اندیشکده هرم پی را شروع می‌کنیم که امروز یکصد و هشتادمین نشست می‌باشد. امیدوارم امسال هم بتوانیم نشست‌ها و میزگردهای خوبی را داشته باشیم و همین‌طور که شاهدش هستیم امروز در خدمت ۳ بزرگوار سرکار خانم دکتر شیوا آراسته و جناب آقای مهندس شهاب‌الدین ارفعی و جناب آقای دکتر علی اندچی هستیم، موضوعی که امروز صحبت خواهیم کرد عنوانش هست کمیته نما پایان راه، من خاطرم هست که حدوداً ۱۶ الی ۱۷ سال پیش برای اولین بار یک چنین کمیته‌ای تشکیل شد. در اداره کل ساختمان معاونت شهرسازی شهر تهران و برای ساختمان‌های بالای ۱۲ طبقه و کاربری معرفی می‌شد و اجازه داده می‌شد که کل پروژه را معرفی کنند و این شده بود کمیته نما، ولی واقعاً فرد نما دیده نمی‌شد. نما بخشی از بنا بوده و آنجا ما چندین نفر بودیم که نظراتی را می‌دادیم و حتی بازدیدهایی را داشتیم از پروژه‌ها و تصویب می‌شد و بعداً نظارت به‌عهده شهرداری‌های مناطق بود، بعد از ۲ الی ۳ سال دور هم صحبتی را کردیم و گفتیم که بهتره این کار به مناطق برسه و حتی به شهرهای دیگر که این کار اتفاق افتاد، ولی کم‌کم دیدیم که در مناطق بعضی از مناطق و یا گاهاً جلسات مختلفی سلیقه‌ای شد. دیگه به‌صورت پوستر مانند کسانی را می‌آوردند نما را این پوستر را بر می‌داشتند نمای بعدی، نمای بعدی، که کدومشان قشنگ‌تره و کدومشان اجرا بشود و دیدیم که همین‌طور هم پروانه ساخت و جواز ساخت هم بسیار طولانی شد. اخیراً من شنیدم که تمام این کمیته‌ها قراره کنسل بشود و راه یکی هموارتر بشود برای اخذ پروانه، ممنون از حضورتون، سوال اول را از خانم دکتر سوال می‌کنیم و همین‌طور چرخشی نظر ۲ بزرگواران دیگه که آیا واقعاً الان طراحان و مالکین ناراضی بودند از این اتفاقی که افتاده و یا خوشحال هستند از این اتفاقی که داره می‌افته که این کمیته جمع بشود نظر شما چیست؟

آراسته: من فکر می‌کنم که خوب یک مقدمه‌ای نیاز داره که حالا در سوالات بعدی این مطرح بشود ولی قطعاً راضی خواهند بود به دلیل اینکه این راه از اول اشتباه طی شد و بعد در انتخاب اعضاء اشتباه شد، باز هم و این اشتباهات باعث شد که سیر این تأییدات طولانی بشود و سلیقه‌ای بشود و برخوردهای حالت خصومتی و رقابتی توی این کمیته‌ها اتفاق افتاد که من از خیلی از آنها خبر دارم و در نتیجه در اون اصول و معیارهای که در نهایت اگر نتیجه خوب می‌شد ایرادی نداشت ولی متأسفانه با تمام حالا این دعوها و کشمکش‌ها نتیجه و خروجی‌ها هم همون در حد تنزول و پوسته و نقاشی روی نما، خیلی از مناطق این‌طوری بود که از عزیزان که عضو کمیته نما بودند فکر می‌کردند، معلم دانشگاه هستند و کلکسیون می‌کنند و ببرند و برو این ۲ تا خط را عوض کن بیار و این خوب باعث شد که خیلی از معماران اصلاً ناراضی باشند و اصلاً این کمیته نما به یک کابوسی تبدیل شد. بنابراین از جمع شدنش راضی خواهند بود اما راه حل جمع شدنش نیست که حالا من در انتها می‌گویم.

محمودی: آقای مهندس ارفعی شما هم اعتقاد دارید که جمع شدن با وجود اینکه به عنوان یک حرفه مند از جامعه مهندسی، از جامعه مهندسین مشاور حضور داشتید آیا شما هم اعتقاد دارید که جمع شدنش بهتره؟ نه من این جور اعتقاد ندارم آقای دکتر، البته من بگم که چرا این جور اعتقادی را ندارم؟ یک تعریفی را بکنم اول شاید توی اینکه کمیته نما نباید می بود من با خانم آراسته هم عقیده باشم ولی چون من نما را جدای از ساختمان نمی دانم یعنی اینکه نما را بخشی از ساختمان، جوهره ی طراحی که اعمال می شود به یک طرح از کوچک ترین اجزاء فنی و هنریش هست تا انتهای اون یعنی این جور نمی شود گفت که نما یک بخش کاملاً جداگانه است، نما بخشی از معماری است. در واقع باید که این کمیته، کمیته معماری، یا کمیته کیفیتی معماری می بود این مطلب اول. ولی یک تفاوتی نما با معماری ساختمان دارد، معماری منظور عرضم همون پلان و حوزه های عمدتاً کاربردیش هستش و تفاوتش به نظر من در این هست که نما یک منفعت اجتماعی است یعنی درون ساختمان آنچه می گذرد به مالک مرتبط هستش، به بهره بردار مرتبط است، به کسی که می سازه و دوست داره اینطوری زندگی کند مرتبط است، ولی نمای ساختمان در عرصه عمومی مطرح می شود نمای ساختمان جزعی از ساختمان است، که همه ما با اون روبرو می شویم و این اتفاق نما را از بقیه جدا می کند، این اندیشه و این همگرایی در کمیته ها دیده نشده بود و اصلاً در صدور جوانه های شهرداری دیده نشده بود، نمی خواهم این مبحث را طولانی کنم ولی می خواهم این را خدمتون عرض کنم که ای کاش وقتی نما طراحی می شد که کل ساختمان داره طراحی می شود، شخصاً در کمیته های نما بسیار شاهد این بودم که یک پلان مثلاً حالا خوب یا داغونی، ببخشید حالا من از لغات غیر مهندسی استفاده می کنم، یک پلانی به هر کیفیتی انجام شده و یک پوسته دیگری داره روش گذاشته می شود، یعنی این عدم هماهنگی این پوسته با اون چیزی که ذات و گوهره ساختمان بوده این یک نقضی هست و این یک مطلبی هست که باید بهش پرداخته شود. این مطلبی است که باید بهش پرداخته شود من برگردم به سوال شما، شما فرمودید که آیا همه راضی هستند از انهدال اون من به شما می گم نفع اجتماعی حتماً راضی نخواهند بود چون محصولی که از این قضیه استخراج می شود، بالاخره یک نظم در سیمای شهری ماست، یک انضباط در سیمای شهری ماست.

محمودی: آقای دکتر اندچی، دو بزرگواران هم صحبت های مشترکی داشتند هم از نتیجه ولی متفاوت فکر می کنند، آقای مهندس ارفعی، اعتقاد دارند که جامعه مردم از آن ناراضی خواهند شد چون آشفتگی، به وجود می آورند، ولی خیلی از مطالب بزرگواران به همین نزدیک بود، با اینکه من تصور می کردم که با هم اختلاف نظر دارند، ولی این نگرانی که دارند آیا تا الان تا این چند سالی که اختلاف نظر وجود داشته، مردم و جامعه و شهروند راضی بوده؟

اندچی: ببینید اولاً من خیلی موافق صحبت های هر ۲ بزرگوار هستم و صحبت های مهندس ارفعی را من این جور بازگو کنم که فکر می کنم ما منظورمون از مردم می تواند دو تا وجه داشته باشه یکی وجه کارفرمایی که یا مالکینی که می خواهند ساخت و ساز کنند قطعاً آنها خوشحال خواهند شد که کمیته نما نباشد چون حداقلش این هستش که پروسه اخذ جوازش حداقل سریعتر می شود مخالفت ها کمتر می شود، برمی گردیم به اون ۱۶ سال قبل که نما جز حیطه شخصی هر کسی بود و هر جوری که دلش می خواست می توانست نما بسازد، ولی یک برداشت دیگه ای از مردم که در واقع اجتماعی است که ذینفعه این شهر و مردمی که دارند در این شهر تردد می کنند. حالا نمایندگانی دارد این شهر و اصولاً معمارها و شهرسازها، در واقع اگر بخواهیم اینهارو نظرشون رو بدونیم قطعاً اینها مخالف حذف کمیته های نما هستند چون به هر حال می دونیم که با همه مشکلاتی که توی راه بوده حداقل نفعی که به نظر من کمیته نما در این مدت داشته این بوده که خوب از یکسری در واقع از خواست های شخصی جلوگیری کرده و یک سبکی از نما مثل سبک کلاسیک که خوب قدیم تر رایج بوده و هر کسی حق خودش را این می دانسته که با یک هزینه ای، مثلاً بیاید نمای کلاسیک بسازه اینها حداقل آمده از حقوق آدمهایی که دارند ساخت و ساز می کنند خارج کرده و گفته یک کمیته ای ناظر بر شما هستش که می تواند راجع به این موضوع قضاوت کند و نما بخشی از شهر هست و یعنی این را کم کم تونسته به مالکین و بساز و بفروش ها اصطلاحاً

بفهمونه که این جوری نیست که هر نمایی که دلتون خواست بزنیند و شما باید تابع یک ضوابط اولاً و بعد سلايق و علم یک عده ديگه‌ای باشید. که نمای شما رو مورد تأييد و يا رد قرار می‌دهند. اما راجع به بحث‌هایی که در مورد کمیته نما می‌شود این من فکر می‌کنم که ما اگر قائل باشیم به اینکه حالا در انتخاب آدم‌هایی که عضو کمیته نما می‌شینند و قضاوت می‌کنند، سخت‌گیری‌هایی داشته باشیم و قبول کنیم که آنها شاید سلیقه بهتری نسبت به بقیه معمارها داشته‌اند که در آن جایگاه قرار گرفته‌اند، اینکه صرفاً آدم‌هایی مثلاً در کمیته نما باشند که از روی سلیقه خودشون یک نما را مورد ارزیابی قرار بدهند، به نظرم در ذات خودش مشکلی نیست، مشکل از جایی آغاز می‌شود که یک سری سلايق تبدیل می‌شوند به ظالته مثلاً من در این چند سالی که عضو کمیته نما بودم قبل از اون و يا در همین حین خودم به عنوان طراح به کمیته نما منطق مختلف مراجعه کردم، برای اخذ تأييد و اینها و صورت‌جلسات اینها رو گاهی مرور می‌کنم، و می‌بینم عملاً یک اصطلاحاتی رایج شده که مثلاً در یک منطقه‌ای می‌گویند نمای شطرنجی مثلاً ممنوع است. یعنی یک سلیقه‌ای است که آقا مثلاً صحبت از چیه مثلاً صحبت از این هستش که جای یک نمایی تراس فرضاً جابجا بشود در طبقات مختلف به صورت شطرنجی جابجا شود. اینا به صورت یک اصل در آوردند که آقا ممکن ممکن یک روزی سلیقه یک نفری بوده است، یعنی به صورت یک نوشته، یعنی وقتی مکتوب می‌شود در صورت‌جلسات یعنی این براش این قدر واضح است که ديگه یعنی به صورت یک اصل و قانون در آمده که یعنی نما این شکلی ممنوع است.

محمودی: اشاره جالبی کردید، حالا صحبت را با خانم دکتر ادامه می‌دهیم، که فردی از نوع طراحی خوشش نمی‌آید و در کمیته‌ای قرار گرفته و لغت را افراطی به کار می‌برد، می‌گه نمای شطرنجی و کسی که ديگه اون نما رو نمی‌بیند و فقط جمله رو می‌بیند، این نگرانی را دارند که نما نباید شطرنجی باشه یعنی افراطی از یک لغت استفاده کردند، در صورتی که شما دارید می‌گوید نه بالکن‌ها جابجا شود. حجم زیباتر بشه، فضا ۲ طبقه شود، دوبلکس بشه، ولی وقتی از یک لغت به کار ببریم و کم کم به قول شما ضابطه می‌شود خیلی مشکل دار می‌شود، خانم دکتر واقعاً قبول دارید که خیلی از این کمیته‌ها افرادی است سلیقه‌ای پافشاری کردند افرادی که حتی خودشون حتی یک دونه ساختمان هم نساختند. ولی عضو کمیته شدند، اتفاقاً با صحبت‌های آقای مهندس ارفعی حق شهروند را ضایع کردند. یعنی مردمی که از اون معبر عبور می‌کنند، اون سیمای شهری را می‌بینند. آیا شما دیدید این جوری شنیدید این جوری، که افراد زیاد سلیقه‌ای به کار بردند.

آراسته: ببینید من می‌خواستم موضوع را آخر مطرح کنم ولی باید همین اول در واقع مطرحش کنم، اون این هست که من خودم جزو کسانی هستم که با این کمیته‌ها بسیار موافق بودم و معترض بودم سالها پیش چرا هیچ کس معماری و کیفیت معماری را در شهرداری‌ها چک نمی‌کند، در جواب آقای مهندس ارفعی اینکه من بسیار موافق یک کنترل هستم، کنترل کیفی که نما هم زیر مجموعه‌اش هست و بر همین اساس ما پیش رفتیم و برای منطقه ۱۲ خودم ضوابط نما را نوشتم یعنی مشاور منطقه ۱۲ خودم بودم و اصلاً تأييد شد و ملاک عمل قرار گرفته و منطقه تاریخی، در واقع اما موضوعی که مطرح هستش من اگر بخوام ریشه‌ای نتیجه‌ای که می‌خواستم را انجام بدهم ابتدا بگم که در واقع این جوری پیش نیاد حالا که ما مخالفیم و يا موافقیم و يا دلالیم را بگم، ببینید آقای دکتر ما همیشه در ایران یک ایده‌ای را شروع می‌کنیم، یعنی می‌گویم کیفیت معماری کنترل شود، این ایده گرفته می‌شود، توسط دستگاه‌های حالا ذیربط، اما در میانه راه منحرف می‌شود، این اتفاق در خیلی از جاهای ديگه هم افتاده، یعنی چه در طرح‌های تفضیلی، چه در طرح‌های ساماندهی، یعنی اگر دقت کنید، همیشه هدف اولیه درست بوده روی کاغذ تئوری درست بوده ما هممون بر این عقیده بودیم که هم نظر بودیم که کیفیت معماری باید کنترل شود حالا نما هم می‌رود، می‌رود، در یک دگرگونی عجیبی قرار می‌گیره، یک دفعه می‌آید یک پیکسلش می‌شود، مهم بعد اون پیکسل را می‌کنند مینا و اصلاً ديگه اون کیفیت فراموش می‌شود.

من این نکته را جا داره بگویم که ما همچنان بعد از این همه سال پلان‌های بسیار ضعیفی را داریم اجرا می‌کنیم. به طوری که در

یک تحقیقی که من به صورت شخصی انجام دادم معماری دهه ۴۰ و ۵۰ در تهران دارای پلان‌های بسیار درست‌تری است. یعنی ما عقب‌گرد کردیم، فضاهای عمومی، خصوصی، این حریم‌ها، عرصه‌ها، اما الان که داریم صحبت می‌کنیم با وجود این پیشرفتی که کردیم ما پلان‌هایی را در منطقه ۱ حتی، معماران معروف به نام دارند اجرا می‌کنند، که اتاق خواب نور نداره، نورش از یک اتاق دیگه‌ای هست، از نورگیر بسیار بدی است. اصلاً در خانه را باز می‌کنیم تا انتها اتاق خواب را می‌بینیم، ببینید اینها ایراد هست، من یک نکته‌ای را جا داره بگم که به نظر من اولویت اتفاقاً با ساکنین است و مردم باید راحت زندگی کنند، یعنی باید اون حسن مکان، تعلق به فضا را داشته باشند و زندگی در اون خانه مفهوم خانه نه مسکن جریان داشته باشد، حالا مبحث بعدی، حق بر شهر هست، اون حق نماز، اون صورتی و یا اون چهره‌ای است که ساختمان به شهر از خودش می‌نمایاند که اگر ما درست طراحی کرده باشیم، رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون، یعنی دیگه نیازی ما نداریم که بیایم، بگیم که بیایید نما را نقاشی کنید یا به قول آقای اندچی، این ممنوع است، اون ممنوع است، در واقع اون صحبتی که آقای مهندس ارفعی کردند، معماری یک کلیتی است، یک حجم یعنی خانه، یک کلیتی دارد این، بخشی از اون چهره روبرویی اون رو ما بهش می‌گیم نما، وگرنه چیزی به عنوان نما وجود ندارد. به لحاظ واقعیت ما هیچ‌وقت اون تصویر تخت را نداریم، اصلاً ما همیشه داریم با زوایا با perspective سایه‌های مختلفی این را می‌بینیم، ما هیچ‌وقت این را flat نمی‌بینیم، این چیزی است که ما برای درک این حجم داریم ترسیم می‌کنیم، نمای پهلوی، نمای مقابل، نمای پشت، برش افقی، درست مثل plan، چیزی به اسم plan وجود ندارد، ما این را می‌کشیم که دوک کنیم فضا رو، ما در واقع داریم روابط فضایی را طراحی می‌کنیم، پیشنهاد من از اول به وزارتخانه این بود که ما می‌بایستی برای تک تک شهرها مون ضوابط اختصاصی داشته باشیم، مبتنی بر زمینه همان شهر، یعنی اگر در تهران، شاید باید در تبریز سنگ کار بشود. این که ما بخواهیم مثل پرورشگاهی‌ها بخواهیم همه لباس یکسان بخواهیم تن یک عده بکنیم، که نمی‌شه پس بحث هویتی دارد، بعد در یک شهر هر محله کارکتر خودش را دارد، برای اون دوباره کدهای خاص داشته باشیم، که اینها از سلیقه به دور است اینها، کد، معیار، اصول در واقع و حتی ما برای یک خیابان هم می‌توانیم یک اصول خاص داشته باشیم، کما اینکه در ۵۰ سال پیش ما این را داشتیم آقای دکتر و من خیلی ناراحتیم از اینکه ما روی یک دایره حرکت می‌کنیم، مدام فاصله می‌گیریم، از نقطه اول و بعد دوباره برمی‌گردیم در اون جایی که بودیم، به قول یکی از همکاران میگن که ما ۱۰۰۰ سال دانش نیاکانمان را اگر مثلاً اینوری داشتند می‌رفتند، به‌جای اینکه این را بگیریم ادامه بدهیم، درست عمود و منصف آن حرکت می‌کنیم، یعنی زدیم این هم نابود کردیم و من صحبت‌م را با این تموم می‌کنم که ببینید. حالا ما قبل از انقلاب و حدود ۵۰ سال پیش، خیلی جالب است که حالا در یک شهر کوچکی مثل ساری، در استان مازندران یک خیابانی هست به اسم خیابان قارن شاید شنیده باشید اسمش این خیابان قارن اصول طراحی دارد، که حتماً پنجره‌هاش باید ARC باشد. یعنی هر کسی در خیابان قارن ساری طراحی بکند می‌بایست آجری و ARC باشد حتماً این قوس باشد شما فکر کنید این ۵۰ سال رعایت شده. اخیراً در چند سال اخیر یک نفر آمده یک نمای سیمانی سفید ساخته، خوب این خیلی بده، پس این نشان می‌دهد که این کمیته نما یا هر اسمی که بگذاریم روی اون، اون نهاد نظارتی، اون گروه نظارتی، اصلاً مطالعات کافی را ندارد، BASE آن ضعیف است، یعنی اشراف ندارد بحثی هم که روی سلیقه گفتیم بله متأسفانه آقای اندچی هم گفتن من می‌دانم اعضای کمیته‌ها را می‌شناسم خیلی‌هاشون رو، بعضی‌اشون رو که خط اصلاً نکشیدند این که خیلی واضح است. کاملاً با ARCHITECT مدل معلم و شاگرد برخورد می‌کنند با وجود اینکه حتی سنشون کمتره، یعنی شما مثلاً فکر کنید آقای ارفعی طرحشون رو می‌برند یکی مثل من اونجا نشسته به آقای ارفعی میگه این ۲ تا خط روبرو را جابه‌جا کن، این نما رو برو درستش کن، این خوب یعنی اصلاً ما بحث‌های اخلاقی رو هم در این کمیته، من می‌گم اصلاً بحث‌های شخصیتی و اخلاقی هم خیلی مهم است. در چندین کمیته من خبر دارم که معمارانی که در یک مسابقه با هم رقابت داشتند، یعنی جامعه حرفه‌ای ما کوچیک است، اینها یک واقعیت‌هایی است اونجا که یکی‌شون برنده نشده حالا که اون یکی

طرح را آورده، من اینجا حال این رو می‌گیرم، خودم تماس گرفتم با یکی‌شون که کار فلانی را چرا ایراد گرفتی؟ گفت یک چند جلسه بیاد و بره بعد تأییدش می‌کنم، یعنی این یک واقعیه، یعنی مشت نمونه خرواره، پس ما با قدرت را دست آدم‌های اشتباهی دادیم و گرنه من هم با نفس بودن این کمیته‌ها، منتهی نه به این صورت نه در هر منطقه، این کمیته‌ها یعنی باید ما یک کتابی داشته باشیم، کتاب ضوابط یک دفترچه مثل کانادا، مثل آمریکا، یک کدی است یک چیزی است، که معمارها براساس اون طراحی می‌کنند، اینها نتوانند عدول کنند، جای سلیقه باز است. آقای اندچی دوست دارند شطرنجی طراحی می‌کنند، من دوست دارم آجری طراحی می‌کنم، اما از یک‌سری خط‌های قرمز ما عدول نمی‌کنیم، در یک منطقه تاریخی هم بله تا کد رنگ آجر هم تعیین می‌کنند، مثلاً می‌گویند آجر در این منطقه قرمز شماره فلان باید باشد، اینجا باید سیمان این‌جوری باشه، این را دیگه معمارها نمی‌توانند اعتراض کنند بله مردم هم حق اعتراض ندارند، اگر قرار بر حفظ و هویت و یکپارچگی و اینا باشد ما می‌بایست از بالا ضوابط قوی بگذاریم. یکپارچگی اینها باشد، ما می‌بایست از بالا ضوابط قوی بگذاریم. متأسفانه کمیته نما در این چند سال این کار را نکرد اتفاقاً آقای مهندس ارفعی، در یک منطقه و در یک کوچه، ما الان نمای سنگی در شمال تهران داریم، کنارش چوبی داریم، بعد آجری داریم، یعنی اصلاً یکپارچگی را رعایت نکرد. این هم باز خودش یک نکته است اگر حصار تاریخی آجریه، اگر شمال شهره فلانه، اینکه من همچنان معتقد هستم که این کمیته‌ها باید منحل بشود، ولی حتماً می‌بایست یک نهاد نظارتی، نهاد کنترل کیفی، بر کلیه طراحی‌ها وجود داشته باشد، در درجه اول هم کیفیت فضایی، یعنی اون فضای زیستی است که می‌بایست از نظر نور، از نظر جهت‌گیری، از نظر مصالح بوم‌آور، از نظر مسائل انرژی حتی اون چیزی که گذشتگان ما هم رعایت می‌کردند. از نظر ارتباط با اینها درست باشد، شما ببینید اگر اینها هم درست باشد، شما سیمان هم بکشید روی نما، وقتی حجم پر و خالیست درسته، با یک نور آفتاب شما یک نمای زیبا دارید، مثل کل پروژه‌هایی که در خیابان جمال‌زاده و میرزای شیرازی و پروژه‌هایی که در تهران تاریخی هست در واقع پس ما نیازی نداریم که مثل اون پروژه در میدان هفت تیر، بیاییم منحنی بکشیم روی نما، اینجاش رو نارنجی کنیم، اونجاش رو نوار چوبی بزنیم اصلاً نیازی به این نیست، ما با یک تک مصالح، می‌توانیم یک حجم و نمای بسیار جذاب داشته باشیم اگر طراحی را درست انجام داده باشیم، یعنی اون قدم اول که آقای مهندس ارفعی گفت، اون را درست رفته باشیم، این نظر شخصی من هست و در واقع ببخشید که طولانی شد.

محمودی: از آقای مهندس ارفعی سوال می‌کنم که واقعاً صحبتی که ۲ بزرگواران می‌کنند. شما هم اعتقاد دارید که به بیراهه رفته و اعضای کمیته خیلی جاها سلیقه‌ای برخورد کردند. یا نه واقعاً روی ضابطه صحبت کردند، یا اصلاً ضابطه‌ای وجود نداشته، مجبور بودن به سلیقه‌ای جلو بروند.

ارفعی: آقای دکتر اجازه بدهید اول من از خود نما، یعنی در تعریف نما، واقعیتش خانم دکتر یک توضیحی دارند ولی من می‌خواهم بگم که تعریف نما شاید عام‌ترش بخشی از ساختمان است، که دیده می‌شود چهره ساختمان، بخشی از ساختمان است که دیده نمی‌شود، یعنی اون صفحه تختی که ما می‌گیریم نما زیرش شیتمان می‌نویسم، نمای واقعی غیر از این است. موضوع دیگه‌ای که من با دقت با خانم دکتر هم عقیده‌ام این هست که کیفیت امروز نزول کرده در برابر کیفیتی که ما در دهه‌های پیشین، به خصوص در دهه ۴۰ که من خودم خیلی بهش علاقمندم، این کیفیتی که در عرصه معماری و شهرسازی می‌دیدیم باید ببینیم چرا این نزول کرده؟ آیا مشکل کمیته نما است؟ یا مشکل از جای دیگری ناشی می‌شود، من یک مطلبی را به شما عرض کنم، مطلب خوبی نیست، مطلب تکراری هم هست ما می‌آییم نظام فنی اجرایی کشور ما برای کسانی که ورود می‌کنند به صحنه طراحی و اعم از حالا شهری معماری، معماری داخلی و یا هر چیز دیگری، اینها رو طی یک روندی، در این نظام فنی اجرایی ارزشیابی می‌کنند. بعد از این یک پروسه طولانی صاحب صلاحیت تشخیص می‌دهند و یا نمی‌دهند که این خودش یک پروسه طولانی است، من سوالم این هستش که برای طراحی معماری در سطح شهر تهران و از اون طرف طراحی نما چه پروسه‌ای برای تعیین صلاحیت و تأیید اون طی شده، من بارها یعنی من به نظرم

می‌رسید بارها در این کمیته نما منطقه ۳ که بودم، خواستم طراح‌ها بیایند اکثراً دختر خانم‌های جوان و کسانی که حالا نمی‌دونم لغت خوب، از دانشکده‌های اطراف در معماری فارغ‌التحصیل شوند یعنی حالا این لغت اطراف را خودتون ترجمه کنید، دوستان عزیز ما، همکاران عزیز ما که من فکرم می‌کنم که سال‌ها باید با یک معمار دانا و پخته کار کنند تا به اون درجه برسد، چرا پروژه‌ها رو بهشون می‌دهند باز هم ببخشید من این جوری می‌گم من با خیلی‌هاشون صحبت کردم گفتم خوب تو اینو کشیدی چند گرفتی؟ می‌گوید خوب ۲۰۰ تومان، پروژه ۲۰۰ تومنی اینها کشیده‌اند، یعنی به تعبیر دیگری می‌خواهم بگم که نظام فنی، اجرایی که به این حوزه غلبه داشته، کنترل داشته، کنترلش را درست انجام نداده، اون وقتی که صحبت می‌شود، که بسیار خوشحال می‌شوند از نبود کمیته نما من هم می‌دونم بساز و بفروش‌هایی هستند که خوشحال می‌شوند، آنهایی که در این روند حضور دارند و می‌توانند کارشان را پیش ببرند، بله این طبیعیه من هم مثلاً اگر بخواهم از چراغ قرمز رد بشوم پلیس نباشد از نبودش خیلی خوشحال می‌شوم یا دورین هم نباشه خیلی بیشتر خوشحال می‌شوم، ولی ما باید ببینیم اون محصولی نهایی اون چیزی که تولید می‌شود، چقدر به نفع جامعه است و باز باید ببینیم این فعالیتی که ما از آن صحبت می‌کنیم، چه فعالیتی در حوزه دموکراسی‌سازی است یعنی در حقیقت مردم چگونه می‌توانند از اون منتفع شوند من عرض کردم نمای ساختمان یک نفع اجتماعی است، نفعی نیست که من خوشم بیاید و نیاید این یک مطلب است. مطلب دیگری که می‌خواهم عرض کنم من حالا در حوزه چیز، من خودم به عنوان عضوی از کمیته نمای منطقه ۳ حضور داشتم و شاهد بودم که چه روند مناسبی آنجا پیگیری شده، من از یک طرف دیگه عضو شورای گروه معماری جامعه مهندسان مشاور هستم و در آنجا ما وقتی همکاران را برای حضور در کمیته‌های نما انتخاب کردیم چه حساسیت بالایی انجام شد، یعنی به تعبیری می‌خواهم بگم که دوستان و بزرگوارانی که در حوزه آکادمیک حضور دارند خیلی وقت‌ها از منطقه از حوزه اجرایی دور می‌افتند و از طرف دیگه دوستانی که کارمندان شهرداری هستند، یا در اون بخش حضور دارند خیلی وقت‌ها می‌خواهند کار را تمام کنند، یعنی مشغله آنها امکان عطف نظر خاص رو به این موضوعات رو بهشون نمی‌دهد، مجموعه دوستانی که از جامعه مشاوران در این کمیته‌ها حضور داشتند جدا از اینکه ما جامعه مشاوران را باید یک ارگان مردم نهاد بدانیم یک مجموعه‌ای است که هیچ وابستگی حکومتی و دولتی ندارد، دوستانی که آنجا بودند سعی در پر کردن خلاء بین این دو گروه هم داشتند، یعنی این ۲ گروهی که خیلی وقت‌ها زبان مشترک بین‌شون نبود دوستان و همکاران من که همشون هم ضرورتاً عضو جامعه نبودند، یعنی ما جست‌وجو کردیم به‌صورت باز کسانی که توانمند بودند، در این حوزه انتخاب کردیم و معرفی کردیم این دوستان ما بتوانند این خلاء را پر کنند. در کنار اون یک نکته به نظر من خیلی حائز اهمیت است و مرور هم شد با دوستان ما، حوزه اخلاق حرفه‌ای و تعهد به اون، ما شاید در دوره‌های مختلف در شهرداری، ارتقاء اخلاق حرفه‌ای رو در حد دوره اخیر کمتر شاهدیم، به این هم اندیشه بشود، من واگذار می‌کنم به مهندس اندچی ولی نکات دیگری هم دارم که عرض کنم.

محمودی: جالبه آقای دکتر اندچی صحبتی که ۲ بزرگواران کردند اعتقاد دارند شما هم مثل آقای مهندس ارفعی از حرفه‌مندان بودید در این جلسه، پس اعضای هیئت علمی چه معماری و چه شهرسازی شاید فقط تئوری صحبت می‌کردند و خیلی کلان می‌دیدند و کارشون کار اجرا و واقعیت نبوده معاونت منطقه و یا دبیر منطقه و یا عضوی از شورای شهر آنها هم مسئولیت‌های اداری داشتند باز یک نگاه دیگه به بعضی‌هاشون، منتظر بودند پرونده‌ها گیر نکنند، پرونده‌ها تعدادش بیشتر نشود، می‌مونه فقط حرفه‌مندان که حرفه‌مندان اتفاقاً مرتبط با این موضوع صحبت می‌کردند. آیا در تمام مناطق حرفه‌مندان این‌طوری که مهندس ارفعی دارند تأکید می‌کنند، واقعاً اخلاق حرفه‌ای داشتند. سلیقه‌ای بوده یا بحث حساب‌هایی که قبلاً داشتند در ورود فلان پروژه که داور بودند، یا شرکت‌کننده بودند، یا الان اونجا برای تصویه حساب آمدند.

اندچی: عرض کنم که حالا کم و بیش تا جایی که من مطلع هستم و دوستان حرفه مند مناطق مختلف را می‌شناسم و از حال و

هوای جلسات خبر داشتم تقریباً در همه مناطق عضو حرفه‌مند تبدیل شده بود به عضو اصلی و بقیه اعضا حالا این یکی از مشکلات کمیته نما هم این مسئله هست حالا در منطقه ما تقریباً در این ۳ سالی که جلسه رفتیم معاونت معماری و شهرسازی را ندیدیم. حتی یک جلسه هم حاضر نبودند ایشان، یا اعضای شورای شهر و نمایندگی اداره کل معماری ساختمان به کرات آنها عوض می‌شد و اصلاً آدم‌های ثابتی نبودند و تقریباً اون ۳ نفر اصلی همین عضو هیئت علمی و عضو حرفه‌مند بودند که حالا توی مناطق مختلف که من هم خبر دارم بیشتر هم عضو حرفه‌مند هدایت می‌کرد و من دوباره برمی‌گردم سراغ همون حرف خودم، من اعضای که می‌شناسم اگر هم سلیقه‌ای قضاوت کنند باز همشون چون در جایگاهی هستند که سلیقشون تأیید شده است یعنی می‌توانند واقعاً روی نمای سلیقه‌ای قضاوت بکنند و نظرشون درست است به نظر من اشکالی نداشته، ۲ تا نکته هم در تأیید فرمایشاتتون به دوستان بگم یکی راجع به همین موضوع اینکه اصلاً ما حالا راجع به ترکیب اعضای کمیته صحبت می‌کنیم که درست بوده یا نبوده ولی واقعیتش با صحبت مهندس ارفعی من به شدت موافقم که انتخاب یعنی فرایندی که باعث می‌شود که اون طراح‌ها جلوی ما قرار بگیرند خیلی فرایند به نظرم معیوبی است روز اولی که به من گفتند بیا برو در کمیته نما این‌جوری برام در واقع توصیف کردند که گفتند میری آنجا میشینی و یک‌سری معمار می‌آیند، کارتون رو نشون می‌دهند خودم به دید خودم که یاد می‌گیرم، در این فرایند یک چیزی یاد می‌گیرم، نما می‌بینم، روزی ۴۰ تا مثلاً هفته‌ای ۴۰ تا نما می‌بینم برای خودم خوبه ولی وقتی اولین جلسات رفتیم دیدم که من با ۲ الی ۳ نفر طراح تخصصی اون منطقه سروکار دارم، به قول آقای مهندس ارفعی که اصلاً هم به هیچ وجه اصلاً سابقه کاری قابل ملاحظه‌ای دارند یعنی در واقع نقش‌شون نمی‌تونم بگم معمار. در واقع تأیید گیرنده کمیته نما هستند، یعنی بلدند که چطوری با اعضای کمیته نمای اون منطقه، یعنی سلیق‌شان رو می‌دونند، می‌دونند روی چی حساس هستند و می‌دونند نمایی را می‌کشند که با کمترین هزینه می‌توانند کارفرما رو سریع تأییدش رو بگیرند و این فرایند یک موقعی هم در کمیته نما اجبار کرده بودند که شما باید از این به بعد در صفحه اول پاور پوینت مدرک تحصیلی طراح رو بگذارید، اوایل من متوجه شدم که خیلی از اینها معمار نیستند، اصلاً تحصیلات معماری ندارند، مثلاً مهندس عمران هستند و بعد از یک مدتی دیدیم که آدمی که می‌آمد در جلسه آمده عوض شد و آدم دیگه‌ای می‌آمد در جلسه، که اصلاً هیچ اطلاعی راجع به نما نداشت و پرسیدیم دیدیم که کار خانم فلانی و چون مدرک نداشت و من مدرکم رو گذاشتم و من آمدم در جلسه، یعنی راه برای دور زدن به وفور پیدا می‌شود، یک صحبت دیگه‌ای هم خانم دکتر کردند در مورد تک متریا ل بودن، من خودم بارها به این موضوع فکر کردم که چی شد ما نمای ساختمون مو تبدیل شد به یکسری نقاشی و یکسری به قول معروف ترکیب ۲ تا متریا ل، یعنی همه به دنبال این هستند که چطوری ۲ الی ۳ تا متریا ل رو با هم ترکیب کنند، بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم این خودش در اثر یک ضابطه غلط به وجود آمده چون ما یک ضابطه‌ای داریم که مثلاً شما در هر نما ۳ تا متریا ل بیشتر نمی‌تونید استفاده کنی انگار که طراح‌ها و یا کارفرماها از روی این به این نتیجه رسیدند که خوب پس اگه حقمون رو بخوایم استفاده کنیم باید اون ۳ تا متریا ل را داشته باشیم ۲ تا متریا ل را داشته باشیم و گرنه کوتاه آمدیم، من واقعاً فکر می‌کنم که یک نمای ساده با یک متریا ل جای پنجره‌هاشم ثابت هیچ تغییری نداشته باشه حالا یک نمای آجری توی بافت آجری یا سنگی توی بافت سنگی بره توی کمیته نمای مناطق فکر می‌کنم ۹۰ درصد برگشت بخوره بخاطر اینکه به همون طراح ایراد می‌گیرند. می‌گنند کار نکردی مثلاً کم کار هست برو یک گزینه دیگر بده، یعنی خود کمیته‌ها مثلاً وقتی بخاطر اینکه فکر می‌کنند که تأیید بشه پس کمیته نما دیگه چه معنی داره؟ هر کسی می‌تونه یک نمای ساده‌ای بکشه بیاره تأیید کنه یعنی بعضی وقت‌ها ضابطه غلط بعضی وقت‌ها برداشت غلط ارتباط غلط اعضای کمیته با اون طراح یا مالکین پروژه اینها باعث شده که در واقع از اون هدف اصلی به نظر من دور شده، منم کاملاً موافق این هستم که کمیته نما بارها هم در جلسات مطرح شده این موضوع و طرفداران زیادی داره که کمیته نما تبدیل شود به یک کمیته معماری، شورای معماری یا یک چیزی که مثلاً یکسری آدمی که حرفه‌مندن و طراح هستند واقعاً و یا حداقل یک رزومه مقبولی دارند نه اعضای در واقع

کارمندی شهرداری اینها که ذی نفع هم نباشند، واقعاً مثلاً ربطی به هم نداشته باشند، که تأیید می شود یا نمی شود چه اتفاقی می افتد، این روی پروژه ها از همون ابتدا و به صورت پکیج کامل هستش که ما پروژه را کامل ببینیم، چون ما واقعاً هنوز توی پلان واحدها، پلان مجتمع های مسکونی این قدر مشکل هست که دیگه فکر می کنم مسئله دوم هست.

محمودی: جالب بود صحبتی که آقای دکتر کردند خانم دکتر اشاره کردند چون مدرک را خواستند یکی دیگه آمده و اصلاً در جریان نبود و در اصل اون کسی که مدرک نداشت کار را کرده بود من اوضاع رو بدتر از این می بینم این که اصلاً بنا رو یکی دیگه طراحی کرده و یک مشاور دیگه ای و نما رو یک مشاور و یک فرد دیگه ای، آیا این نگاهی که من الان دارم واقعیت یا نه؟

آراسته: متأسفانه آقای دکتر یک چند سالی این هم رایج شده، در ادامه همون که به جای اینکه ما دنبال پیشینیانمون باشیم و بر اون بیافزاییم عمود و منصفمون را حرکت می کنیم، چند سالی هست که مسابقات طراحی نما برگزار می شود، یعنی یک مشاوره یک حجمی را طراحی کرده یک اسکلت فلزی بر یک اتوبانی هست یک چند سال هم کارگاه تعطیله، اون مشاور طراحی شو انجام داده، نما و حجم و همه چی داریم و کارفرما عوض می شود و این برج ده دست چرخیده، حالا که آمدند اجرا شده خوب حالا نما رو بگذارند مسابقه، ما واقعاً ما که می گویم چون واقعاً جامعه صنفی نداریم، جامعه مشاوره هم با همه احترامی که من قائل هستم آقای مهندس ارفعی بسیار ضعیف عمل کرده اصلاً نهاد قوی نیست و نتونسته جایگاه خودش رو و معماران رو در جامعه یک جامعه تثبیت کنه و بگه که معمار حد قضیه است یک **شأنی** براش قائل باشه، یک **شأنی** برای معماران قائل باشه که مهندس عمران و بچه تازه فارغ التحصیل و اینها می توانند راحت طراحی کنند و این در واقع کم کاری صنف ما بوده از چندین سال پیش اصلاً حالا شاید حداقل از ۳۰ سال پیش مربوط به الان هم نیست، چون قبلاً هم این طوری نبوده، چون قبلاً معماران یک ظرفیتی داشتند، یک چیزی در جامعه داشتند کسی جرأت نمی کرد بیاد روی خط یک ARCHITECT خط بکشه، الان ببینید جدا بودن نما و چیز بله متأسفانه باب شده و اصلاً حتی از اون بدتر در دانشگاه ها من شاهد همکاران من، پلان را می دهند به بچه ها به عنوان تمرین در کلاس و روی این پلان میگه یک نمای دیگه بزار، ببینید این به عنوان تمرین شاید بد نباشه ها، پرورش یک خلاقیت که بگویم یک آدم چقدر می تواند متفاوت یعنی مثلاً بگیم به تعداد معمارها طرح وجود دارد اینها همه حرف های قشنگ دانشگاهیه، ما می دانیم هممون دانشگاهی بودیم، از دانشگاه آمدیم داخل حرفه اما این اگر در حرفه باب بشود کارفرما رو دیگه نمی شود جلوشو گرفت، او به راحتی مسابقه طراحی نما می گذارد، اسکلت رو از یکی، پلن رو از یکی می گیرد، من خودم بارها دعوت شدم ولی شرکت نکردم، اینجا اصلاً اعتقادی به این موضوع ندارند، که یک اسکلتی را به من بدهند و من روش یک لباس پهنش کنم یک پارچه بکشم روش در واقع، این همون بحثی است که من کردم، یعنی ما یک کلیتی را باید طراحی کنیم و این باید در ذهن کارفرما در ذهن شهرداری، در ذهن وزارت خانه، در ذهن همه باید جا بیوفته و در دانشگاه ها که اصلاً چیزی به اسم نما، نمای جدا، پلن جدا، اصلاً هیچی وجو ندارد، معماری یک کلیت به هم پیوسته است. این باید مورد طراحی و مورد خلق اصلاً یعنی سوژه خلق یک کلیت است یک نقاشی روی نما نیست، یک نکته ای که حالا من دلم می خواست بگم، حالا دوستان هم گفتن راجع به همون ترکیب اعضا هست، بسیار بسیار ترکیب اشتباهی بوده، من با قاطعیت این رو می گویم چون بارها هم اعتراض کردم، تنها قسمت اش که درست بوده همین بخش حرفه مندان بوده، اما باز در انتخاب این حرفه مندان هم باز در خیلی از مناطق اشتباه صورت گرفته، من نمی خواهم اسم بیارم اما می تونم دونه دونه، اشاره بکنم اگر ریشه یابی بشود، چون برخلاف نظر حالا آقای اندچی من عقیده ندارم معماری کرده ۲ تا پروژه هم کشیده اجازه داره اعمال سلیقه بکنه، ببینید یک وقتی یک معماری می تواند راهبر باشه یک معماری طراحه همه نمی تونند همه کاره باشند ما نیاز داریم در کمیته های نما و یا معماری یک معمار راهبر، راهبر یعنی سلیقه خودشو نباید اعمال بکنه، می بایستی راهبری درست رو بلد باشه، این یک نکته و اعضای هیئت علمی، چون من بارها این رو اعتراض کردم و با دوستان هیئت علمی خودم در واقع دچار چالش شدم اینکه اصلاً حضور یک عضو هیئت علمی پژوهش

محور در کمیته نما هیچ‌گونه اصلاً توجیهی ندارد، مگر آقای دکتر من یک سوال دارم از عزیزان از مخاطبین مگر در ژوژمان دانشگاه از حرفه‌مند دعوت می‌کنند که حتماً باید از هیئت علمی هم در حرفه باشه، این یک‌جور نون قرض دادن بود اصطلاحاً که به اشتباه صورت گرفت و خیلی باید شفاف باشیم روی این قضیه چون ما وقتی هم می‌خواهیم ریشه‌یابی کنیم همش با تعارف و این یک اشتباه بسیار فاحش بود بله ما معماری هم داریم که هیئت علمی و معمار حرفه‌ایم هم هست یعنی این خیلی فرق داره اما معمار و شهرسازی که اصلاً خط نکشیده و اصلاً گرایش ... مگه ایشون از بنده نوعی، دعوت می‌کنه که من مقالشو ارزیابی بکنم، مقاله دانشگاهی شو پس ایشون هم حق نداره بیاد در کمیته نما و کیفیت معماری ما باید راه‌هامون جدا باشه، من به‌عنوان کسی می‌گم که ۱۶ سال در دانشگاه تدریس کردم، تهران مرکز و شهرهای مختلف چند ترم هستش که نمیرم، ولی من این برخوردها رو دیدم در دانشگاه من هیئت علمی نبودم بیشتر در حرفه بیشتر کار کردم، ولی در دعوت از اعضای شورای شهرداری، کارمندان اشتباه بوده حضورشون چون آموزش ندیدند، یعنی خیلی از اینها همان‌طور که آقای ارفعی گفت، از دانشگاه‌های غیر معتبر بگیریم یا از دانشگاه‌هایی که اون سطح دانش کافی را نداره که روی کار آقای اندچی نظر بدهد تعارف نداریم این چیزها دیگه تعارف نیست. اصلاً یعنی یک جوان تازه فارغ التحصیل که فامیل مثلاً معاون شهرداری وقتی میاد در اونجا، اینجا اون انحراف است یعنی می‌گویم یک ایده‌ای درست شروع می‌شود، ما در عینیت بخشیدن به اون ذهنیت همیشه دچار این اشتباه می‌شویم، که می‌آیم اعمال نفوذ می‌کنیم، من بارها در کمیته‌های نما عضو نبودم، در واقع خودم حالا تدوین ضوابط کرده بودم اما خیلی به من زنگ زده می‌شد در این خصوص، و میان داوری باید می‌کردم ولی بارها شاهد بودم که اعضای هیئت علمی پژوهش محور که یک خط هم دقیقاً نکشیده‌اند یعنی یک خط دقیقاً بدون اغراق نکشیدند نظرات بسیار غیر کارشناسی می‌دادند، یعنی حتی نمی‌دونستند سنگی که خشک کا رمی‌شود چرا؟ ولی نظر می‌دادند، که چرا این ۲۰ سانت عقب‌تره حالا آقای اندچی بهتر می‌دونند، چرا اون جلوتره، به نظر من اگر قرار هم بود هیئت علمی وجود داشته باشه حق رای اینها باید با هم فرق می‌کرد، یعنی معمار حرفه‌مند مثلاً ۲ تا رأی داشت آنها می‌بایستی به‌عنوان مشاوره، مشاوره می‌دادند نه اینکه کارمند و معمار و معمار حرفه‌مند و استاد دانشگاه، همه با هم چیز باشند این به نظر من اشتباه بود و با قاطعیت و یعنی اگر در ادامه هم دوباره از اعضای هیئت علمی و باز هم تأکید می‌کنم فقط اهل پژوهش و فاقد کار حرفه‌ای دعوت بشه باز هم ما به مشکل خواهیم خورد چون اینها ۲ تا دنیای جدا دارد، به نظرم آنها می‌بایستی پژوهش را انجام دهند، پژوهش بنیادین رو، تحلیل‌ها رو، اصول‌ها رو استخراج کنند مثل یک دو استقامت هست، آنها در اختیار یک حرفه‌مندی که ما بین پژوهش و حرفه است قرار بدهند، این بیاد اینها رو به زبان ضابطه در بیاره چون هم اینوره هم اینوره چون از هر ۲ تا می‌تونه پیوند بده، اینها رو و بعد این بره در اختیار طراح قرار بگیره اگر ما این کدها رو درست بدیم نیاز به هیچ کمیته‌نمایی وجود نداره نیاز به هیچ، چون دفترچه رو میزازه جلوش و انجام میده و اصلاً نیازی نیست کسی کنترلش کند.

محمودی: و قمتان بسیار کم هست ولی من با وجو اینکه تا الان ۳۸ ساله تدریس دارم می‌کنم کاملاً با حرف خانم دکتر موافق هستم که اساتیدی که فقط کار پژوهشی انجام دادند نباید باشند در کمیته‌ها که البته یک پله می‌روم بالاتر توی این کمیته‌ها اساتیدی وجود دارند که حتی کار پژوهشی هم انجام ندادند و صحبت را برمی‌گردم خدمت آقای دکتر اندچی، که انتها فرصت خیلی کمه، جمع بندی را خود آقای مهندس ارفعی بکنند، آقای دکتر اندچی شما هم توی تدریس هستید و هم توی حرفه با صحبت‌هایی که خانم دکتر کردند موافقین یا نه؟

اندچی: بله من ۱۰۰ درصد موافقم ما توی حالا برای اینکه یک صحبت جمع‌بندی هم از صحبت‌هام بکنم، در واقع ما حالا مشکلاتی که کمیته نما تا این دوره حیاتش داشته شاید بیشتر مشکلات بالا دستی و یعنی فراتر از این چارچوبه این جلسات و ضوابطی که راجع به نما داریم، یک موضوع خوب بحث این صلاحیتیه که چه کسانی صلاحیت دارند در تهران که مثلاً نما تهیه کنند که الان

ظاهراً هیچ‌گونه چیزی نیست حتی طرف می‌تواند عضویت نظام مهندسی را هم نداشته باشد و بیاید طراحی بکند یکی موضوع انتخاب افراد هستش، یعنی افرادی که حتی title قبل از اینکه افراد انتخاب بشوند یعنی اصلاً چه ترکیبی باید داشته باشد یک کمیته نما و چقدر از هر حرفه و دانشگاهی توش عضو باشند و بعد انتخاب افراد و همین‌طور ضوابط دیگه چون ما دیگه از نظر ضوابط هم در نما یک فقری داریم دیگه منم با خانم دکتر موافقم که خیلی از... هر شهری هر منطقه‌ای باید ضوابط خاص خودش را داشته باشد ولی خوب این یک کار خیلی طولانی مدته هم پژوهشی هم طراحی می‌طلبه که این ضوابط توسط کسی که صلاحیتش را دارد تدوین بشود و اونوقت واقعاً شاید کمیته نما نقشش فقط کنترل ضوابط باشد و خیلی دیگه بحث‌های سلیقه‌ای هم میره در حاشیه و از این وضعیتی که الان هست نجات پیدا می‌کنیم.

محمودی: آقای مهندس ارفعی آخر نشستمون هستیم نشست بسیار خوبی بود حدوداً یک ۵ دقیقه ای فرصت داریم، شما با توجه به سابقه‌ای که داشتید تجربه‌ای که داشتید، در این کمیته‌ها حضور داشتید و صحبت‌هایی که شنیدید و نگرانی‌هایی که داشتید اول جلسه اشاره کردید که جمع شدنش چه بدیهایی داره و الان کمیته چه مشکلاتی را داره، حالا چه از اعضا گرفته چه از خصوصیت‌ها گرفته، چه رفاقت‌ها و دور شدن از حرفه، به یک جمع بندی از شما می‌خواهیم اعلام بفرمایید.

ارفعی: آقای دکتر من در خدمتون هستم، آقای دکتر من اجازه می‌خواهم، ببینید ما این موضوعاتی که بررسی می‌کنیم، همیشه بین خودمون و خودمون بررسی می‌کنیم، یک نکته‌ای رو عرض کنم چه خوبه که ما به جاهای دیگه دنیا به کشورهای دیگه هم یک نگاهی بکنیم، بالاخره آنها هم صاحب تجربیاتی هستند، که خیلی وقت‌ها به راحتی در اختیار ما می‌گذارند، یا ما خودمون با مراجعه به آنها می‌تونیم این کار و روند خودمون را پیش ببریم، من واقعیتش در یعنی به عنوان معمار، در کشورهای منطقه خلیج فارس، جنوبی یعنی کشورهای عربی، کل عمارات، عمان و سعودی هم کار کردم مخصوصاً عمارات الان به شدت در خصوص قضیه نما داره کار می‌کنه، یعنی هویتی که در سیمای شهریش داره عرضه می‌شود، برایش حائز اهمیت هست، بعد بسیاری از چیزهایی که ما امروز ازش صحبت می‌کنیم، مثلاً ما مییم که از یک بنا حالا حداقل در منطقه ۳ ما برای تمام پروژه‌ها گسترده مجموعه پروژه را خواستیم یعنی نما یک صفحه نبوده، نما یک حجم بوده و باز شدش و کنترل شدش، اونها هم دارند بهش اعتنا می‌کنند، از نظر بالاخره سندی که تولید می‌شود و برای بررسی ارائه می‌شود، مطلب دیگه‌ای و تجربه دیگه‌ای من داشتم توی کشورهای بوده که بالاخره در کشورهای سوسیالیسم سابق، منفک شده بودند، آنها در اکثر شهرها یک معمار شهر داشتند، که البته اون هم همکارانی داشت، یعنی اون چیزی که ما به عنوان الگو، برای یک کانتکس ازش یاد می‌کنیم، یک محتوایی که می‌تواند در جاهای مختلف شهر، تسری پیدا کند و در نهایت یک مجموعه همگن رو به بهره‌بردار و استفاده کننده و ناظر و هر کسی که درون شهر حضور دارد ارائه بکند، این اتفاق توسط اون گروه کنترل می‌شود، چه بسا خیلی از مواردی که امروزه صحبت می‌کنیم و در نوشته‌های ما هست اونها بهش اعتنا نمی‌کنند و به نحوی، نوشته نیست یعنی در ذهن اون مجموعه است، ما در دهه ۴۰ یک معماری داشتیم که فارغ التحصیل ایتالیا، فارغ التحصیل مسکو، معمار ایرانی، که اصلاً دانشگاه نرفته بوده، و بقیه همه همگن می‌ساختند، این چه اتفاقی بوده که در دهه ۴۰ امکان‌پذیر بوده ولی امروز امکان‌پذیر نیست، امروز خانم دکتر می‌گویند ما نزول کیفیت داریم، یعنی حتماً یک اتفاقی است، این را باید شناخت و از اون مجموعه در آورد، من یک‌دفعه در یک جلسه‌ای که می‌خواست یک نمایی از شهر هاوانا در کوبا انتخاب بشه، این را حضور داشتم با اون جمع مهندسين که اونجا بود با اینکه کوبا در ذهن ما جای فقری است و هیچ کاری هم ازش بر نمی‌آید، دیگه بالاخره ما خیلی وقت‌ها از بالا به پایین نگاه می‌کنیم، همون جور که به ند نگاه می‌کنیم در صورتی که اونها بسیار توانمند هستند و خیلی کارهای زیبا و جهانی توانستند عرضه بکنند، توی اون، برای کل شهر هاوانا، یک ماکت یک پونصدم داره، که نماهاش به مقیاس یک پونصدم، طراحی شده و وقتی یک نفر می‌خواهد یک عضوی را به اون مجموعه، اضافه کند یا کم کند، حتماً می‌آید ماکتش را می‌سازد، این

ماکت پازل می‌تواند باز شود، و اون عضوی که اضافه می‌شود و یا کم را اونجا می‌گذارند، و مجموعه کسانی که ذیمدخلن به‌عنوان مدیران شهر، و مجموعه کسانی که، بالاخره شهروندان ما یک حق شهروندی باید برای همه قائل بشیم، آنها صاحب نظرن شاید اونها نظرشون آموزش نیافته باشه، ولی بالاخره خوب و بد را میدونه و میدونه که چی ازش خوشش می‌آید، و به تعبیر دیگری خیلی وقت‌ها، با مدها که می‌آید و زودگذر می‌رود این شهروندان هستند که پیش از جامعه هنری، باهاس مبارزه می‌کنند، ولی اگر من بخواهم در یکی الی ۲ جمله جمع‌بندی کنم صحبتی که اینجاست، می‌خوام بگم که موضوعی که مهمه دوستان هم فرمودند، کمیته نما باید کمیته کیفیت معماری باشد، نه نما و این مطلب مهمی است و دیگه اینکه، صلاحیت موسساتی که داره اقدام می‌کند امروز تولید محتوا می‌کند، این پلان معماری نما، محاسبات و هر چیز دیگری را که امروز ما در ساختمان‌های جدید می‌بینیم، اون مؤسسات باید صاحب صلاحیت این موضع باشند، من به شما می‌توانم عرض کنم که، جامعه مهندسان مشاور ایران، که بی اغراق بزرگترین NGO این قضیه است، و به تعبیر دیگری عضو رسمی فیدیک جهانیه، یعنی یک شاخه‌ای است که به تمام دنیا این‌جوری اتصال داره، از این موضوع کنار گذاشته شده، طبیعتاً وقتی اون نمی‌تواند اظهارنظر کند وقتی اون جایگاه مناسب خودش را ندارد، خیلی طبیعی که بالاخره هر کسی بیاید و در این بازار شلوغ و سردرگم نظرات خودش را ارائه کند و بدهد و مطلب دیگه اینکه متأسفانه، متأسفانه، وقتی می‌گویند ضابطه بنویسین یک کتاب می‌آورند اینقدر کلفتیش، من اصلاً از دیدن این کتاب‌ها چون سواد کمه وحشت می‌کنم ضابطه یعنی یک چیزی که در ۴ صفحه باشد و بشود ازش بهره گرفت، بشه عمومیت داد قابل تفسیر نباشه نگه فلان صفحش هم فلان چیز نوشته، بهمان صفحش هم بهمانه، یعنی تعریف ما از ضابطه هم تعریف مهمی است و انشالا بهش عنایت می‌شود و خیلی ممنون از اینکه این جلسه تشکیل شد و خیلی ممنونم از دوستانی که ملاقاتشون کردم و خیلی ممنونم از تمام کسانی که برنامه ما را می‌شنوند.

دکتر محمودی: من هم تشکر می‌کنم از شما بزرگواران و بسیار خوشحالم که اولین نشست تابستان این‌قدر پر بار بود، تشکر می‌کنم و خدانگهدار.